

بررسی نقش دینداری در اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان

سید نجم‌الدین موسوی^۱، رضا سپهوند^۲، سلیمان جعفری^۳، افسانه جعفری^۴

۱. استادیار، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

۲. دانشیار، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

۳. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش دینداری در اعتماد و مشارکت اجتماعی است. پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه اجرای پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری همه دانشجویان دانشگاه لرستان در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ است که با به کارگیری فرمول کوکران، ۲۵۳ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد بود، که روایی پرسشنامه‌ها با به کارگیری روش اعتبار محتوا و پایایی آن‌ها با محاسبه آلفای کرونباخ تأیید شد. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها، مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار Amos18 به کار گرفته شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد دینداری تأثیر مثبت و معناداری بر اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان دارد. از طرف دیگر، نتایج پژوهش نشان داد اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اجتماعی دانشجویان می‌گذارد. از این رو، می‌توان بیان کرد افرادی که نسبت به انجام دادن اعمال دینی خود مصمم‌ترند، از اعتماد بیشتری در روابط اجتماعی خود نسبت به سایر افراد برخوردارند. همچنین، افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی باشند، خود را موظف خواهند دانست که در فعالیتهای اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند. زیرا از نگاه دینی، فرد در مقابل خدایش، خودش و جامعه‌اش موظف است نسبت به سرنوشت خود حساس باشد و در صحنه اجتماع مشارکت فعال داشته باشد.

کلیدواژگان

اعتماد اجتماعی، دینداری، مشارکت اجتماعی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: Soleimanjafari93@gmail.com

مقدمه

امروزه بسیاری از صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان درباره نقش مهم دین در زندگی و تأثیر مهم آن در جامعه سخن می‌گویند (طالبی و حاجیلو، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲). دین به شکل‌های گوناگون در هر فرهنگی وجود دارد، و به‌طور معمول، نقش محوری را در زندگی افراد و جوامع ایفا می‌کند. پیتربلاو^۱، جامعه‌شناس معاصر، اعتقاد دارد دین در سامان‌دادن به حیات اجتماعی نقشی تعیین‌کننده دارد. لوین و الیسون^۲ نیز معتقدند دینداری از طریق سازوکار پیوندهای اجتماعی و حمایت رسمی و غیررسمی به سلامت مثبت جامعه منجر می‌شود. آن‌ها بیان می‌کنند دست‌کم بخشی از روابط مشاهده‌شده بین اهتمام دینی و سلامت روانی، ناشی از نقش جماعت‌ها و گروه‌های تأثیر، به‌عنوان نوع خاصی از تلاش و کوشش برای انجام‌دادن کارکردهای مختلف تعریف می‌شود و آن را به‌عنوان جمع اعتقادات و اعمالی که با کمک آن‌ها یک گروه (دینی) با مسائل و مشکلات عظیم زندگی مواجه می‌شود، مطرح می‌کنند (ویلیم^۳، ۱۳۸۷، ص ۳۱۴). دین از جمله متغیرهای اساسی است که اغلب صاحب‌نظران و اندیشمندان آن را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل، نوع و روند تغییرات در اجتماع و بر روی افراد مورد تأکید قرار داده‌اند. اهمیت این موضوع از آنجا است که دینداری کارکردها و آثار ویژه‌ای در همه زوایای زندگی بشری دارد، زیرا افراد دیندار بسیاری از کنش‌ها، افکار، شیوه زندگی، ارزش‌ها و حالت‌های خود را براساس دین تعیین می‌کنند و دین را ناظر بر زندگی خود می‌دانند (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶).

دینداری عمل به دین است که اغلب به‌عنوان شدت اعتقادات مذهبی و مشارکت در آن تلقی می‌شود (Giddens, 2008, p.93). از این رو، دینداری را می‌توان پذیرش همه یا بخشی از عقاید، احکام، و اخلاق دین اسلام توسط فرد و تلاش برای عمل به آن‌ها در نظر گرفت (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱). عقاید و ارزش‌های دینی افراد بر عمل فردی و اجتماعی آنان، و فهم و

1. Peter Blau

2. Levin & Ellison

3. Willem

تفسیرشان از رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد. همچنین، هنجارها و رفتارهای دینی افراد در سطوح خرد و حیات اجتماعی جامعه در سطح کلان را متأثر می‌کند. به عقیده گیدنز، پیروان مذاهب عرضه‌کننده اصول و تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی، از طریق پذیرش، ایمان و علاقه به این مذاهب، به سوی پیوند با یکدیگر سوق می‌یابند (گیدنز^۱، ۱۳۸۷، ص ۲۹۳). از آنجا که دین پدیده‌ای گروهی است و در یک رابطه متقابل با دیگر واحدهای اجتماعی است، پس انتظار این است هم بر نهادهای دیگر جامعه تأثیر بگذارد و هم از آن‌ها تأثیر پذیرد و با توجه به نقش دین در زندگی اجتماعی انسان مدرن، مطالعه دین و رفتار دینی یکی از جنبه‌های مهم پژوهش و نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی معاصر را تشکیل می‌دهد (ظهیری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲).

یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که دین باعث بهبود و تقویت آن می‌شود و پیوندهای اجتماعی را مستحکم‌تر و مناسبات اجتماعی را روان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌کند، اعتماد اجتماعی است (عباس‌زاده و میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۱). اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۴). از نظر زتومکا^۲ از عوامل مهم در تقویت گرایش به اعتماد، اعتقادات دینی است (زتومکا، ۱۳۸۶، ص ۲۶۳). اریکسون نیز اعتماد را ناشی از اعتقادات دینی می‌داند. و دین را عاملی مهم و مؤثر در ایجاد اعتماد دانسته و می‌گوید «اعتماد زائیده مراقبت و دلسوزی، در واقع و سنگ‌بنای فعلیت و تحقق دین است» (Erikson, 1965, p.241). اعتماد در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی باعث رشد انسان می‌شود و استعدادها و توانایی‌ها را شکوفا و تسهیل می‌کند و مانند روان‌کننده‌ای، چرخ‌های کنش اجتماعی را راحت‌تر به حرکت در می‌آورد (کندوانی اصل و تقی‌لو، ۱۳۹۴، ص ۸۱). بنابراین، دین یکی از مهم‌ترین ابزارهای سازمان‌دهنده اعتماد است. در واقع، مذهب و اعتقادات دینی، امکان برقراری روابط مفید و مؤثر با گروه‌ها و مذاهب را فراهم و

1. Giddens
2. Zetomeka

نوعی اعتماد را در سطح افراد جامعه برقرار می‌کند؛ تا جایی که زیمل دین را نوعی ایمان و اعتقاد به جامعه و افراد آن می‌داند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۷۴).

از سوی دیگر، مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌هایی است که دین تأثیری اساسی بر آن می‌گذارد. دین به‌طور ذاتی ماهیتی اجتماعی دارد که افراد را به مشارکت ترغیب می‌کند (Anderson & Melur, 2009, p.93). مشارکت اجتماعی باعث توسعه و ضامن حرکت و پویایی یک جامعه می‌شود (مظلوم خراسانی و همکاران، ۱۳۹۱). جوامعی که سازه‌های گفتمانی مشارکت‌پذیرانه در مهندسی فرهنگی و اجتماعی آن‌ها طراحی و اجرایی شده است، زمینه انطباق نظامات و قوانین منطبق با نیازها و واقعیت‌های اجتماعی در آن‌ها فراهم می‌شود و میزان تضادها و درگیری‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین، با توجه به ویژگی‌های جامعه ایران، به نظر می‌رسد مهم‌ترین و نیرومندترین نهاد مؤثر در شکل‌گیری مشارکت‌های اجتماعی، نهاد دین است؛ زیرا در دین اسلام آموزه‌های دینی بر رفتارهایی تأکید دارند که زمینه و بستر شکل‌گیری مشارکت‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند و در ایران که جامعه‌ای با هنجارهای دینی است، توجه به این منبع مؤثر و رابطه آن با مشارکت اجتماعی از ضرورت‌های علمی است (نوروزی و بختیاری، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷).

اعتماد و مشارکت اساس شکل‌گیری روابط اجتماعی و توسعه یک جامعه محسوب می‌شود و کاهش یا افزایش آن‌ها، می‌تواند تأثیر زیادی بر ساختارهای مختلف جامعه و روابط اجتماعی مردم آن بگذارد. در این میان، دانشگاه به‌عنوان نهاد تولید علم و دانش که مایه افتخار و اقتدار کشور شناخته می‌شود، با آموزش و تربیت متخصصان و نخبگان، تولید علم و فناوری، و ارتقای علم و فرهنگ در جامعه نقش مهمی در توسعه و سازماندهی کشور دارد. از سویی، یکی از ارکان اساسی دانشگاه و شاید اساسی‌ترین رکن آن را دانشجویان تشکیل می‌دهند؛ دانشجویانی که نمایندگان فکری جامعه محسوب می‌شوند و آینده یک جامعه نیز تا حد زیادی به آن‌ها بستگی دارد. از این رو، شناخت نظرهای آنان می‌تواند در شناخت اندیشه و عملکرد دیگر اقشار جامعه، یاری رساند. اما به‌دست‌آوردن سطح بالایی از اعتماد و مشارکت در جامعه دانشگاهی به عوامل بسیار متعددی وابسته است که دینداری از جمله آن‌ها است. بنابراین، با توجه به مطالب یادشده، پژوهش حاضر

تلاش می‌کند تأثیر دینداری بر اعتماد و مشارکت اجتماعی را بررسی کند. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که دینداری در اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان چه نقشی دارد؟

مبانی نظری پژوهش

دینداری

جوادی آملی دین را مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی می‌داند که برای اداره امور جامعه و انسان و پرورش انسان‌ها است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۲). دین به عنوان نظام اعتقادی سازمان‌یافته، همراه با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعریف شده است که تعیین‌کننده شیوه پاسخگویی افراد به تجارب زندگی است (Zulling et al., 2006, p.36). دینی بودن، عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای داده می‌شود که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی است. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. به طور کلی، دینداری^۱ یعنی داشتن اهتمام دینی به گونه‌ای که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند (ادیب بهروز، ۱۳۸۹، ص ۶۵). دینداری عبارت است از مجموعه شناخت‌ها، احساس و تمایلات مثبت نسبت به دین، که در وضعیت عادی و طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشته باشد و در کنش‌های وی نسبت به نیروی جذاب (خداوند) جهان، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسد (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱). همچنین، در تعریفی دیگر، دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی به طوری که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند، نوع و جهت این تأثیر را ادیان تعیین می‌کنند؛ پس کشف و شناسایی آن مستلزم مطالعات درون دینی است (شجاعی زند، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

زیمل اعتقاد دارد دینداری بر احساس دینی مبتنی است و عبارت است از صورت و شکلی که

1. Religiosity

احساس دینی به خود می‌گیرد (ارجمند و شعبان‌پور حقیقی، ۱۳۸۹، ص ۷۴). دیندار کسی است که با آگاهی (اگرچه در حداقل) از اصول و شعائر یک مذهب، در نظر و عمل پیروی آن دین را اتخاذ می‌کند، به‌طوری که دین بر زندگی اجتماعی او تأثیر بگذارد (انوری، ۱۳۷۳، ص ۲۵۶). درباره ابعاد دین در اسلام تعبیر بعضاً متفاوتی وجود دارد که از سه بعد اعتقادات، احکام و اخلاق (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۴۱۲)، تا پنج بعد عقیده، ایمان، اخلاق، عبادات و شریعت سخن به میان آمده است و این تمایزها بیش از آنکه ناشی از اختلاف نظرهای اصولی در چیستی و حیطه عمل دین باشد، برخاسته از تعبیر مفسران از مفاهیم به‌کار رفته است (شجاعی زند، ۱۳۸۴، ص ۵۱). از این رو، دینداری را می‌توان پذیرش همه یا بخشی از عقاید، احکام و اخلاق دین اسلام توسط فرد و تلاش در جهت عمل به آن‌ها در نظر گرفت (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳).

شاخص‌سازی متغیر میزان دینداری براساس مدل گلاک و استارک^۱ انجام گرفته است، گلاک و استارک در کتاب *ماهیت تعهد مذهبی* اذعان کرده‌اند با وجود تفاوت‌های در ادیان، می‌توان وجوه اشتراکی را بین آن‌ها یافت. این وجوه یا عرصه‌ها، در حقیقت، ابعاد دینداری را تشکیل می‌دهند و عبارت‌اند از ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی؛ که این ابعاد به طور خلاصه چنین است:

۱. بعد اعتقادی و باورهای دینی^۲ که عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان دین مورد نظر به آن‌ها اعتقاد داشته باشند، در واقع، باورهای دینی عبارت‌اند از نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقانیت اصول دینی می‌دهد؛^۳ اعمال دینی^۴ که خود به دو دسته مناسک، و پرستش و دعا تقسیم می‌شوند، بعد مناسکی شامل اعمال دینی مانند نماز، روزه و شرکت در آیین‌های مذهبی است که انتظار می‌رود پیروان هر دینی آن‌ها را به‌جا آورند و بعد پرستش و دعا شامل اعمال خصوصی و فردی است که فرد با رضایت خاطر و بدون اجبار انجام می‌دهد؛^۳ بعد تجربی^۴ یا عواطف دینی که عبارت است از تصورها و احساس که

1. Glock & Stark

2. Believers

3. Practice

4. Experience

مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی مانند خدا، یا واقعیتهایی، یا اقتداری متعالی است؛ ۴. بعد پیامدی^۱ یا آثار دینی که ناظر به آثار باورها، اعمال، تجارب و دانش عینی بر زندگی روزمره است، به عبارت دیگر، تأثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره زندگی است (افشانی، ۱۳۸۵، ص ۸۶).

اعتماد اجتماعی

اعتماد باوری قوی به اعتبار، صداقت و توان یک فرد، انتظاری مطمئن و اتکا به یک ادعا یا اظهار نظر، بدون آزمون کردن آن است (Lyon, 2000, p.673). اعتماد را می‌توان اطمینان فرد به دیگران و نداشتن بدگمانی به افراد جامعه تعریف کرد (حسینی، ۱۳۸۹، ص ۳۱). اعتماد مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی است که به مثابه سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل مشارکت اجتماعی، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه عمل می‌کند. اعتماد موجب پیوند وثیق افراد با نهادهای مختلف اجتماعی و تقویت و ارتقا، اثربخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی است (Gleave, 2010, p.42). به نظر گیدنز، اعتماد ابزار اطمینان به اشخاص یا نظام‌های مجرد براساس نوعی جهش به ایمان است که به‌طور معمول، مشکل نادانی یا بی‌اطلاعی را برطرف می‌کند (گیدنز^۲، ۱۳۸۷، ص ۳۱۶). به نظر کلاس اوفه، اعتماد به معنای این باور است که دیگران با اقدام یا خودداری از اقدام خود به رفاه من یا ما کمک می‌کنند و از آسیب‌زدن به من خودداری می‌کنند (اوفه^۳، ۱۳۸۴، ص ۵۹۷). به نظر اینگلهارت^۴، اعتماد اجتماعی واقعیتی اجتماعی-اقتصادی است که در زمینه‌ها و تجارب اجتماعی تاریخی ریشه دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۴، ص ۲۳۱). اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی، که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند، تعریف شده

-
1. Consequences
 2. Giddens
 3. Offe
 4. Inglehart

است. اعتماد اجتماعی می‌تواند شرایط برقراری و دوام دوستی را مهیا کرده، و با کاهش تنش فردی و افزایش حس کنترل، تندرستی افراد را حفظ کند و همچنین، اگر اعتماد اجتماعی در حد مطلوبی باشد، موجب مشارکت بیشتر در دستیابی امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی می‌شود. به این ترتیب، سطح سلامت جسمی و روانی افراد بهبود می‌یابد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۸۶). اعتماد اجتماعی به عنوان عنصر اصلی سرمایه اجتماعی و به معنای اعتماد افراد جامعه به یکدیگر در زندگی اجتماعی است. اعتماد اجتماعی به معنای راستگویی و صداقت، تمایلات همکاری جویانه و اطمینان به دیگران، احترام به حقوق دیگران است که یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد اجتماعی، همکاری و مشارکت گروه‌های مختلف جامعه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را افزایش می‌دهد. اعتماد اجتماعی شاخص مهمی در شکل‌گیری انضباط در روابط اقتصادی و اجتماعی است. بهبود در اعتماد اجتماعی، موجب ارتقا و بهبود روابط اجتماعی، نگرش، احترام به قانون، عملکرد اجتماعی و شغلی افراد خواهد شد. در مقابل، فقدان اعتماد اجتماعی آثار نامطلوبی مانند دروغ‌گویی، چابلوسی، کلاهبرداری، رشوه، فساد و نبود شفافیت مالی را به همراه خواهد داشت. بنابراین، بسط و گسترش فرهنگ اعتماد می‌تواند ارزش‌های منفی مزبور را کاهش دهد (خسروآبادی و بنی‌مهد، ۱۳۹۴، ص ۴۹).

در پژوهش حاضر متغیر اعتماد اجتماعی با سه بعد اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی سنجش شده است. اعتماد بین فردی حاصل روابط مستقیم و چهره‌به‌چهره میان اعضای جامعه است. در واقع، این باریک‌ترین شعاع اعتماد بین اعضای خانواده است که فضایی مملو از اعتماد، صمیمیت و نزدیکی بر آن حاکم است. این اعتماد معطوف به افرادی است که آن‌ها را می‌شناسیم و با آن‌ها به عنوان دوست، همسایه، همکار و شریک تجاری رابطه رودررو داریم. اعتماد عام یا تعمیم‌یافته را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه، جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. اعتماد تعمیم‌یافته، فقط به افرادی که روابط رودررو دارند، محدود نمی‌شود، بلکه مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را درمی‌نوردد، و در سطح ملی گسترش می‌یابد.

درباره اعتماد نهادی نیز می‌توان گفت در جامعه، انسان‌ها گاهی با کنشگران غیرفردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب، شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این زمینه به اعتماد مدنی و اعتماد نهادی اشاره شده است. اعتماد نهادی به نهادهای رسمی دولتی و اعتماد مدنی به نظام‌های تخصصی مربوط است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۶).

مشارکت اجتماعی

مشارکت از نظر لغوی به معنای شرکت کردن است. مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌کند بر حوادث مؤثر بر زندگی شان تأثیر قاطع بگذارند. به همین دلیل، باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهار نظر برخوردار باشند و ارای اهمیت و ارزش تلقی شوند. مشارکت حرکتی آگاهانه، فعال، آزاد و با مسئولیت است. با توجه به اینکه امروزه در مباحث توسعه، انسان، محور است، طبعاً مشارکت او در امور مربوط به خود بیش‌ازپیش مطرح می‌شود (افشانی و جنتی‌فر، ۱۳۹۵، ص ۷۷). پدیده مشارکت به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سر زده است (جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۹). مشارکت تلاشی سازمان‌یافته است، که به منظور افزایش کنترل منابع و مؤسسه‌های عمومی در یک وضع اجتماعی خاص از طرف گروه‌ها و افرادی که تاکنون از چنین کنترلی محروم بوده‌اند، انجام می‌گیرد (خادمیان و کریم‌سرا، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه، در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (نوروزی و بختیاری، ۱۳۹۰، ص ۲۸۴). مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاشتن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت اجتماعی می‌تواند در دو سطح مطرح باشد: بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است؛ و بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند (افشانی و جنتی‌فر، ۱۳۹۵، ص ۸۱). مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان‌یافته‌ای دانست که

افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که به سهم‌شدن در منابع قدرت منجر می‌شود، تعریف کرد. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی مانند انجمن‌ها، گروه‌ها، و سازمان‌های محلی و غیردولتی هستند (زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱، ص ۵۳). فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن، کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۸). مشارکت اجتماعی را می‌توان شامل دو بخش دانست: ۱. مشارکت رسمی که در برگیرنده مشارکت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و باشگاه‌ها می‌شود؛ ۲. مشارکت غیررسمی که خود دربرگیرنده دو نوع: الف) درگیری اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم مثل همکاری با خیریه‌هایی که در کمک به محرومان و افراد خاص تشکیل می‌شود؛ ب) مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی که به نسبت دائمی و همیشگی هستند (Helly, 2001, p.114).

پیشینه پژوهش

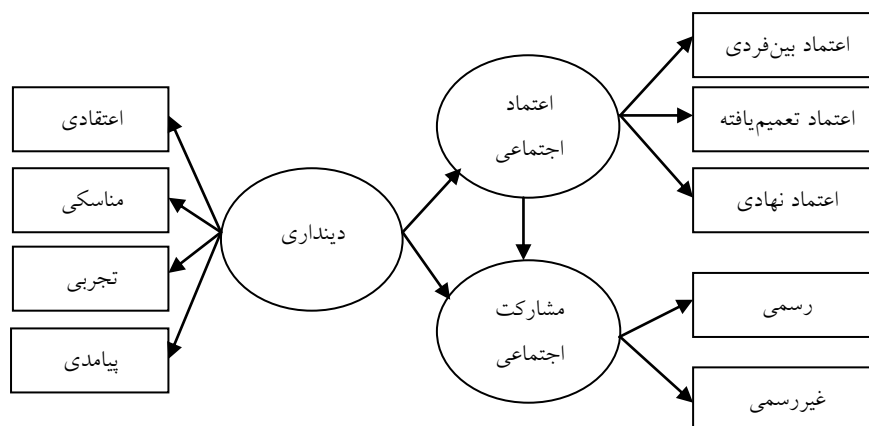
کندوانی اصل و تقی‌لو (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین دینداری و اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز» به این نتیجه دست یافتند که بین دینداری و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنا که دینداری از طریق ایجاد ذهنیت‌های انسجام‌بخش یا ایجاد پیوندهای شبکه‌ای بر افزایش سطح و میزان اعتماد اجتماعی اثر می‌گذارد و نقش مثبتی ایفا می‌کند. باقریانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رابطه دینداری با اعتماد اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان» به این نتیجه رسید که بین دینداری و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. وجود همبستگی زیاد بین دینداری و اعتماد اجتماعی بدان معناست که به هر اندازه که افراد اعتقاد بیشتری به دین داشته باشند، به همان اندازه میزان اعتماد بیشتری برخوردار خواهند بود. بنابراین، می‌توان با افزایش سطح دینداری، به افزایش اعتماد اجتماعی کمک کرد. عباس‌زاده و میرزایی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش دین در توسعه شبکه اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز» به این نتیجه رسیدند که بین دینداری و

اعتماد اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش میزان دینداری، افزایش در اعتماد اجتماعی نیز حاصل می‌شود. علاوه بر این، نتایج پژوهش بیان‌کننده وجود ارتباط مثبت و معنادار بین ابعاد اعتماد اجتماعی (اعتماد بین‌فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی)، و ابعاد دینداری (اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی) بود. مهدوی و رحمانی خلیلی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر دینداری بر مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی» به این نتیجه دست یافتند که دینداری تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اجتماعی دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که بعد اعتقادی نسبت به ابعاد دیگر همبستگی قوی‌تری با مشارکت اجتماعی دارد. ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه هرمزگان» به این نتیجه رسیدند که اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دارد. زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد» به این نتیجه دست یافتند که اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری دارد. این امر نشان می‌دهد اگر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان افزوده شود، سطح مشارکت اجتماعی آنان نیز ارتقا خواهد یافت. پارسامهر و اسکندری‌فرد (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «اعتماد اجتماعی و رابطه آن با مشارکت اجتماعی» به این نتیجه دست یافتند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش بیان‌کننده این است که بعد اعتماد تعمیم‌یافته نسبت به ابعاد دیگر تأثیر بیشتری بر مشارکت اجتماعی دارد.

با توجه به آنچه بیان شد، مدل مفهومی پژوهش حاضر، مدلی تلفیقی است که در تدوین آن چند مدل به‌کار گرفته شده است. بدین ترتیب که در مدل حاضر مدل دینداری گلاک و استارک^۱

1. Glock and Stark

(۱۹۷۰)، مدل اعتماد اجتماعی زتومکا^۱ (۱۹۹۹) و مدل مشارکت اجتماعی هیلی^۲ (۲۰۰۱) به کار گرفته شده است. مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مدل مفهومی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شد.

فرضیه اول: دینداری بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد.

فرضیه دوم: دینداری بر مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد.

فرضیه سوم: اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است، زیرا از نتایج آن می‌توان به‌طور عملی در راستای رفع نیازهای ایجادشده استفاده کرد. همچنین، به لحاظ روش، توصیفی از نوع همبستگی است. در

1. Zetomeka

2. Helly

پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌های استاندارد به‌کار گرفته شده است. برای سنجش متغیر دینداری پرسشنامه گلاک و استارک (۱۹۷۰)، برای سنجش متغیر اعتماد اجتماعی از پرسشنامه صفاری نیا و شریف (۱۳۸۹)، و برای سنجش متغیر مشارکت اجتماعی از پرسشنامه مهدوی و خلیلی (۱۳۸۷) به‌کار گرفته شد. روایی پرسشنامه‌ها با روش اعتبار محتوا و پایایی، و همبستگی درونی داده‌های آن با روش آلفای کرونباخ و نرم‌افزار SPSS تأیید شد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، با توجه به اینکه ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷ قابل قبول است، می‌توان پایایی پرسشنامه یادشده را مناسب ارزیابی کرد. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها و بررسی مدل مفهومی تحقیق، روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار Amos18 به‌کار گرفته شد. جامعه آماری پژوهش دانشجویان دانشگاه لرستان در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ بودند که براساس فرمول کوکران، ۲۵۳ نفر از آن‌ها به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند.

جدول ۱. پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آلفای کرونباخ
دینداری	۰/۸۳
اعتماد اجتماعی	۰/۷۷
مشارکت اجتماعی	۰/۷۹

یافته‌های پژوهش

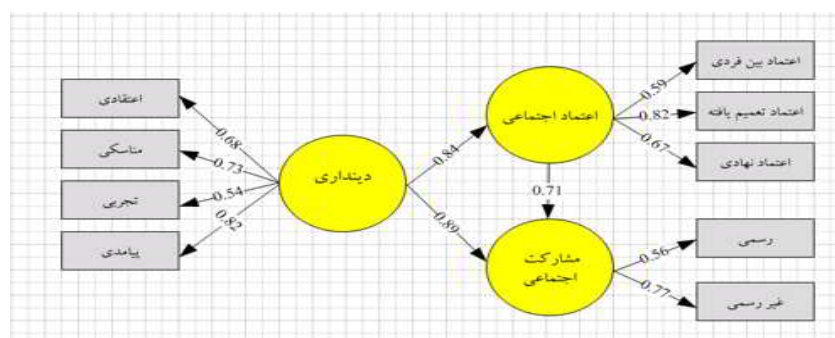
قبل از آزمون فرضیه‌ها و تحلیل عاملی تأییدی، آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها اجرا شد، که نتایج این آزمون نشان‌دهنده نرمال بودن داده‌های پژوهش بود. پس از جمع‌آوری اطلاعات برای مشخص کردن اینکه شاخص‌های اندازه‌گیری (متغیرهای مشاهده) تا چه اندازه‌ای برای سنجش متغیرهای پنهان قابل قبول هستند، باید ابتدا همه متغیرهای مشاهده که مربوط به متغیرهای پنهان است، به‌طور مجزا، آزمون شوند. شاخص‌های کلی برازش برای الگوهای اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) با به‌کارگیری نرم‌افزار Amos18 در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲. شاخص‌های کلی برازش برای الگوهای اندازه‌گیری

متغیر	GFI	IFI	NFI	CFI	RMSEA
دینداری	۰/۹۴۱	۰/۹۸۸	۰/۹۲۹	۰/۹۶۳	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۰/۹۶۳	۰/۹۳۴	۰/۹۲۱	۰/۹۴۸	۰/۰۰۳
مشارکت اجتماعی	۰/۹۵۱	۰/۹۳۷	۰/۹۵۴	۰/۹۸۷	۰/۰۰۲

در توضیح مقادیر شاخص‌های برازش جدول ۲ باید بیان شود. هرچه GFI به عدد یک نزدیک‌تر باشد، الگوی داده‌ها برازش بهتری دارد. همچنین، اگر سه شاخص دیگر، IFI یا شاخص برازش افزایشی، NFI یا شاخص برازش هنجار شده و CFI یا شاخص برازش تطبیقی، بین صفر و یک قرار داشته باشند و هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشند، کارایی مدل بیشتر خواهد بود. شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز یکی دیگر از شاخص‌های برازندگی مدل است که در الگوهای قابل قبول دارای مقدار ۰/۰۸ یا کمتر است. برازش الگوهایی که دارای مقادیر بالاتر از ۰/۱ هستند، ضعیف برآورد می‌شوند. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوی اندازه‌گیری کمتر از ۰/۰۸ است، که نشان‌دهنده برازش خوب الگوها توسط داده‌ها است. در نهایت، با توجه به مطالب یادشده، می‌توان نتیجه گرفت الگوهای اندازه‌گیری (متغیرهای مشاهده‌شده) ز برازش خوبی دارند و به این معنا است که متغیرهای آشکار به‌خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار Amos18 به‌کار گرفته شد. خروجی نرم‌افزار در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش

شاخص‌های برازش GFI، NFI، CFI و RMSEA برای مدل ساختاری به ترتیب، برابر با ۰/۹۲۳، ۰/۹۶۷، ۰/۹۰۴ و ۰/۰۳ به دست آمد که در محدوده قابل قبول قرار دارند و مدل برازش بسیار خوبی دارد.

پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون فرضیه‌ها، دو شاخص جزئی مقدار بحرانی CR و P بررسی شد. براساس سطح معناداری ۰/۰۵، مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو مهم شمرده نمی‌شود، همچنین، مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد است. فرضیه‌ها به همراه ضریب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به هر فرضیه در جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۳. ضریب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به فرضیه‌ها

نتیجه	P	مقدار بحرانی	ضریب رگرسیونی	فرضیه‌های پژوهش
تأیید	۰/۰۰۰	۳/۵۴	۰/۸۴	دینداری بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد.
تأیید	۰/۰۰۰	۳/۶۹	۰/۸۹	دینداری بر مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد.
تأیید	۰/۰۰۲	۳/۷۱	۰/۷۱	اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد.

با توجه به جدول ۳، باید گفت با توجه به مقدار بحرانی که برای همه فرضیه‌ها، بیشتر از ۱/۹۶ است و مقدار P، که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. بنابراین، می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد دینداری بر اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت و معنادار می‌گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش دینداری در اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، دینداری

تأثیر مثبت و معناداری بر اعتماد اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان می‌گذارد. نتیجه آزمون این فرضیه با نتایج پژوهش‌های کندوانی اصل و تقی‌لو (۱۳۹۴)، باقریانی (۱۳۹۳)، و عباس‌زاده و میرزایی (۱۳۹۳) هماهنگی دارد. افرادی که نسبت به انجام دادن اعمال دینی خود مصمم‌ترند، از اعتماد بیشتری در روابط اجتماعی خود نسبت به سایر افراد برخوردارند. بدین صورت که انجام دادن اعمالی مانند نماز، شرکت در آیین‌های مقدس و مشارکت در فعالیت‌های دینی، روابط اجتماعی و کنش میان افراد را افزایش می‌دهد و به‌مرور، به ایجاد اعتماد نسبت به یکدیگر در بین افراد منجر می‌شود. بنابراین، هرچه ارزش‌های دینی در جامعه‌ای تقویت شده باشند، رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیرتر می‌شود؛ زیرا افراد در چارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند و قابلیت اعتماد به افراد بیشتر و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد. به علاوه، نتایج پژوهش حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد دینداری بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش مهدوی و رحمانی خلیلی (۱۳۸۸) هماهنگی دارد. با توجه به اینکه جامعه ایران یک جامعه دینی است و افراد از همان سال‌های نخستین به‌طور رسمی و غیررسمی با آموزش‌های مذهبی روبه‌رو می‌شوند. بنابراین، با اصول اعتقادات مذهبی آشنا هستند. از طرف دیگر، اسلام نه تنها فرد را در مقابل خداوند مسئول و متعهد می‌داند، بلکه او را در مقابل جامعه نیز مسئول می‌داند. افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی باشند، خود را موظف خواهند دانست که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشند. از نگاه دینی، فرد در مقابل خودش، خدایش، جامعه‌اش موظف است که نسبت به سرنوشت خود حساس باشد، در صحنه اجتماع مشارکت فعال داشته باشد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اجتماعی دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌های ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۵)، زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱) و پارسامهر و اسکندری‌فرد (۱۳۹۲) همخوانی دارد و فرضیه پژوهش را حمایت می‌کند. اعتماد اجتماعی با تأثیری که بر مشارکت اجتماعی دارد، می‌تواند به‌عنوان بنیاد هر گونه همکاری و مشارکت نقشی مهم را در میان افراد ایفا کند. اعتماد اجتماعی افراد را به انجام دادن کنش‌های

جمعی و داوطلبانه، و فعالیت‌های گروهی در جامعه سوق می‌دهد. در جایی که اعتماد بر روابط اجتماعی حاکم نباشد، افراد منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند و هیچ‌گونه تعهدی نسبت به مصالح جمعی نخواهد داشت و این مسئله باعث بدبینی آن‌ها به یکدیگر شده، و موجب خواهد شد نتواند در امور اجتماعی مشارکت کنند. با توجه به موارد یادشده، و نتایج پژوهش، به مسئولان دانشگاه لرستان پیشنهاد می‌شود به دینداری توجه ویژه‌ای کنند تا زمینه بهبود اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی دانشجویان فراهم شود. پیشنهاد می‌شود دانشگاه لرستان در سرفصل‌های آموزشی ارائه‌شده به دانشجویان در دروسی مانند اخلاق اسلامی، نقش و اهمیت شایان توجهی به مباحث اجتماعی و تأثیر تعیین‌کننده‌های اجتماعی داده و دانشجویان را به سمت دینداری و اعتماد اجتماعی بیشتر سوق دهند. پیشنهاد می‌شود معاونت فرهنگی دانشگاه لرستان با تبلیغات مؤثر فرهنگی، نقش و اهمیت ویژه‌ای به بحث اعتماد اجتماعی دهد و نسبت به تقویت این ویژگی در دانشگاه اقدام کند. همچنین، با توجه به رابطه بین متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، ضروری است مسئولان تدابیر بیشتر و مؤثرتری برای افزایش میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان بیندیشند و آنان را در فعالیت‌ها فرهنگی دخیل کنند. افزایش مشارکت اجتماعی دانشجویان، در بازتولید و ارتقای اعتماد اجتماعی در قالب گسترش صداقت، وفاداری، وظیفه‌شناسی و وفای به عهد مؤثر خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. ارجمند، پرهام، و شعبان‌پور حقیقی، احسان (۱۳۸۹). بررسی سرمایه اجتماعی با دینداری و تأثیر آن بر کارآفرینی اجتماعی. همایش ملی همت مضاعف و کار مضاعف، جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی جهرم.
۲. افشانی، سید علیرضا (۱۳۸۵). تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات در ایران. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان.
۳. افشانی، سید علیرضا، و جنتی‌فر، اکرم (۱۳۹۵). مقایسه میزان مشارکت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهر یزد. جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۷، شماره ۳، صفحات ۷۳-۹۶.
۴. امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۵. انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳). پژوهش راجع به تقدیرگرایی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۶. اوفه، کلاس (۱۳۸۴). چگونه می‌توانیم به شهروندان اعتماد کنیم در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز، تهران: نشر شیرازه.
۷. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کویر.
۸. باقریانی، فریده (۱۳۹۳). رابطه دینداری با اعتماد اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان. رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۵۵، صفحات ۷۹-۱۰۹.
۹. پارسامهر، مهربان، و اسکندری‌فرد، امیرمختار (۱۳۹۲). اعتماد اجتماعی و رابطه آن با مشارکت اجتماعی. فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۶۲، صفحات ۲۵۳-۲۸۶.
۱۰. جمشیدی‌ها، غلامرضا، پروایی هره‌دشت، شیوا، پیری، صدیقه، و ادیب حاج‌باقری، ثریا

- (۱۳۹۳). بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال ۴، شماره ۱۲، صفحات ۲۴-۱.
۱۱. حسینی، علی‌اصغر (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی: شهر بابل). *مجله معرفت*، سال ۱۹، شماره ۴، صفحات ۳۱-۴۲.
۱۲. حشمت یغمایی، محمدتقی (۱۳۸۰). *دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۳. خادمیان، طلیعه، و کریم‌سرا، رضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر ابعاد مشارکت اجتماعی. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، شماره ۳۳، صفحات ۸۹-۱۱۴.
۱۴. خسروآبادی، طاهره، و بنی‌مهد، بهمن (۱۳۹۴). پیش‌بینی بی‌اخلاقی و فساد مالی با توجه به اعتماد اجتماعی در حرفه حسابرسی. *فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال ۱۰، شماره ۴، صفحات ۵۳-۴۵.
۱۵. رضادوست، کریم، حسین‌زاده، علی‌حسین، و شعبانی، ناهید (۱۳۹۴). تأثیر دینداری بر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). *فصل‌نامه جامعه‌شناسی سبک زندگی*، دوره ۱، شماره ۳، صفحات ۱۳۲-۱۰۳.
۱۶. زارع شاه‌آبادی، اکبر و نوریان نجف، محمد (۱۳۹۱). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد. *دوفصل‌نامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، شماره ۱، صفحات ۶۹-۴۷.
۱۷. زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶). اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
۱۸. زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن. *پژوهش‌های اعتماد اجتماعی*، تهران: انتشارات مرکز راهبردی تشخیص مصلحت نظام.
۱۹. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۱، صفحات ۶۶-۳۴.

۲۰. صادقی، حسین، ملکی، بهروز، عصار، عباس، و محمودی، وحید (۱۳۹۲). تحلیل فازی رابطه اعتماد اجتماعی با توسعه انسانی. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۳، شماره ۱۲، صفحات ۹-۲۰.
۲۱. طالبی، ابوتراب، وحاجیلو، زینب (۱۳۹۲). تأثیر دینداری بر اعتماد (فرا تحلیل پژوهش‌های ده سال اخیر در ایران). *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۵، شماره ۱، صفحات ۱۰۹-۱۳۷.
۲۲. ظهیری‌نیا، مصطفی، نیکخواه، هدایت‌الله، فلاحتی شاه‌آباد، احمد، صادقی، سهیل، و عزیززاده، امید (۱۳۹۵). اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه هرمزگان. *پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان*، شماره ۱۱، صفحات ۸۶-۱۳۶.
۲۳. عباس‌زاده، محمد، و میرزایی، مجتبی (۱۳۹۳). نقش دین در توسعه شبکه اعتماد اجتماعی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تبریز). *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال ۴، شماره ۲، صفحات ۱۹۹-۲۲۴.
۲۴. قاسمی، وحید، عدلی‌پور، صمد، و میرمحمدتبار دیوکلانی، سید احمد (۱۳۹۲). رابطه هویت دینی و اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران. *دین و ارتباطات*، سال ۲۰، شماره ۲، صفحات ۷۳-۹۹.
۲۵. کندوانی اصل، علیرضا، و تقی‌لو، فرامرز (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین دینداری و اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال ۵، شماره ۲۰، صفحات ۷۹-۹۷.
۲۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *راه سوم*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *مجموعه آثار*. جلد دوم، قم: انتشارات صدرا.
۲۸. مظلوم خراسانی، محمد، نوغانی، محسن، و خلیفه، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۳، شماره ۱، صفحات ۵۰-۸۰.
۲۹. مهدوی، سید محمدصادق، و رحمانی خلیلی، احسان (۱۳۸۸). بررسی تأثیر دینداری بر

- مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال ۲، شماره ۴، صفحات ۲۹-۵.
۳۰. موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳، صفحات ۹۲-۶۷.
۳۱. نوروزی، فیض‌اله، و بختیاری، مهناز (۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۳، صفحات ۲۶۹-۲۴۹.
۳۲. نیازی، محسن، بهرامی، ولی، سخایی، ایوب، و حسین‌زاده، سید سعید (۱۳۹۶). فراتحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی. مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴، صفحات ۴۷-۱۷.
۳۳. ویلم، ژان پل (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی/دیان. مترجم عبدالرحیم گواهی، تهران: انتشارات علم.
34. Erikson, E. (1965). *Childhood and society*. New York: Norton.
35. Gleave, E. (2010). Trust in Uzbekistan. *International Political Science Review*, 33(2), 39-57.
36. Glock, C. Y., & Stark, R. (1970). *The dimensions of religiosity: Religion and society in tension*. Chicago: Rand McNally.
37. Helly, D. (2001). Voluntary and social participation by people of Immigrant origin. Overview of Canadian Research. Second National Metropolis conference, Immigrant and civic participation: Contemporary policy and Research Issues, Montreal.
38. Layon, F. (2000). Trust network and norms: the creation of social capital in agricultural economies in Ghana. *World Development*, 28(4), 663-689.
39. Zhang, L. (2008). Religious affiliation, religiosity, and male and female fertility. *Demographic Research*, 18(8), 87-109.
40. Zulling, K. J., Ward, R. M., & Horn, T. (2006). The association between perceived spirituality, religiosity and life satisfaction: the mediating role of self-rated health. *Social Indicators Research*, 79, 28-42.